

صمد، نیاز به ذره بین نداشت

○ عزت‌الله الوندی



- عنوان کتاب: اولدوز و کلاغ‌ها
- نویسنده: صمد بهرنگی
- تصویرگر: افسانه جابری
- ناشر: ماه‌ریز
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹
- شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۸۱ صفحه
- بها: ۷۰۰ تومان

پرداخته است.

اما داستان بلند «اولدوز و کلاغ‌ها» بازگوی زندگی کودکی به نام اولدوز است که در روستا و در خانواده‌ای سه نفره متشکل از پدر، نامادری و خودش، زندگی می‌کند. او بعضی وقت‌ها مورد بی‌مهری نامادری خود قرار می‌گیرد. در این میان، با ننه کلاغ و آفاکلاغه آشنا می‌شود. آن‌ها راه‌های زندگی کردن و پایمال نشدن را به او یاد می‌دهند و سرانجام، رهایی از دست زن‌بابا و فرار به سوی خوشبختی.

موضوع داستان

«در نزدیکی ما اتفاق افتاد، مادری بچه سه ساله اوگه‌ای (بچه ناتنی) اش را کتک زد. با شوهرش دعوا کرده بود، چرک و خونابه به بیرون می‌ریخت. بچه‌ها را دورم جمع کرده بودم، های‌های می‌گریستم، کوچولوها هم با من...»
صمد بهرنگی، این جمله‌ها را در نامه‌ای به برادرش نوشته؛ جمله‌هایی که سرشار حسی انسان است... لطیف‌ها برابیم گفت که:

- از همین وقت به فکر نوشتن کتابی برای کلیه بچه‌های «اوگه‌ای» افتاده و دارد رویش کار می‌کند که نتیجه‌اش «اولدوز و کلاغ‌ها» شد که دیدیم.^۱
این موضوع، بیشتر شبیه قصه‌هایی است که مادر بزرگ‌ها برای نوه‌های‌شان تعریف می‌کنند و صمد به خوبی دریافته بود که برای برقراری ارتباط با این گروه سنی، بهترین راه، شیرین‌ترین راه است. او نگاه‌های علاقه‌مند و مجذوب بچه‌ها را به قصه‌های مادر بزرگ‌ها دیده بود، دیده بود و تصمیم گرفت در این قالب برای بچه‌ها قصه تعریف کند و در این میان، آموزه‌هایی ارائه دهد که تعالی به ارفغان بیاورد. مسلم این که در این راه، یکی از آموزه‌ها مبارزه با ستم و استبداد است که در کتاب اولدوز و کلاغ‌ها، به آن نگاه ویژه‌ای شده است. ستمی که

سرشار از صداقت بود و این راز بزرگ موفقیت او در جذب مخاطب است. صمد بهرنگی، از آن جا که سال‌ها (از شانزده، هفده سالگی) آموزگار بود، طبعاً با شیوه‌های آموزشی، به طور تجربی آشنا و از شگردهای آموزشی آگاه بود. بنابراین، شاید بیشتر و بهتر از بقیه توانسته است مفهوم ذهنی خود را به مخاطبان ارائه کند. او در این میان، با دسته‌بندی تجربه‌هایش در کتابی به نام «کندوکاو در مسائل آموزشی ایران» به بیان شیوه‌های آموزش و پرورش

«شما زیادی فکر می‌کنید، همه‌اش که نباید فکر کرد، راه بیفتیم، ترس‌مان به کلی می‌ریزد.»^۱ و مهم این است که راه بیفتیم، با هر توشه‌ای که داریم. راه هم هرچه دشوار و دشوار باشد، زیر گام‌های مصمم ما هموار می‌شود.
صمد بهرنگی، نویسنده‌ای بود که خیلی زود فهمید که باید راه بیفتد. راه افتاد و معلم شد؛ آموزگار کودکان روستایی و همه عشق خودش را به دانش‌آموزانی تقدیم کرد که پینه کشت و کار گندم بر دست‌هایشان بود. او در طول زندگی کوتاه، ولی پربارش نوشت تا زنده بماند و ماند تا بنویسد و سرانجام به رود پیوست تا دریایی شود و شد. سبک نوشتاری او در آثاری که از خود به جا گذاشته، ساده و روشن است. پیچیدگی ندارد و فلسفه را از پس پرده‌ای شفاف می‌توان در آن مشاهده کرد. از کچل کفترباز تا اولدوز و عروسک سخن گو و اولدوز و کلاغ‌ها و ماهی سیاه کوچولو و... او سادگی را برای کارهای خود برگزید؛ چرا که یکی از اساسی‌ترین نیازها برای برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان، سادگی است و این سادگی را به راحتی می‌توان در قصه‌ها و متل‌ها و حکایت‌هایی که گاه مادر بزرگ‌ها تعریف می‌کنند، پیدا کرد.

اگر از بعضی خطاهای سهوی نویسنده در این داستان در گذریم، پشت پرده شفاف داستان، آموزگاری را می‌بینیم که دلسوزانه، نکته به نکته و مو به مو اخلاق و آداب زندگی را به دانش‌آموزان می‌آموزد



وقتی کتاب‌های او را می‌خوانی، با شخصیت‌هایی آشنا می‌شوی که به تو خیلی نزدیک‌اند؛ آن قدر نزدیک که تو پیشترها آن‌ها را ندیده‌ای. او اصلاً در این زمینه، نیاز به ذره‌بین نداشت. او مثل کودکانی که برای‌شان می‌نوشت،

سبک نوشتاری او در آثاری که از خود
به جا گذاشته،
ساده و روشن است.
پیچیدگی ندارد
و فلسفه را از پس پرده‌ای شفاف،
می‌توان در آن مشاهده کرد



در اولدوز و کلاغ‌ها،
سؤالی که مطرح است،
این که آیا یاشار و اولدوز،
به سعادت و محبت و... می‌رسند؟
کی برمی‌گردند پیش پدر و مادرشان؟

گاهی هم به طنز، نکته‌ای را برای بچه‌ها یازگو کرده: «بابا گفت: اصلاً کلاغ‌ها حیوان‌های کثیف هستند، دله دزدند. یک کلاغ حساسی در همه عمرم ندیدم. خوب مواظبش باش. اگر نه، یک دانه ماهی توی حوض نمی‌گذارد بماند.»

زن بابا گفت: آره، باید مواظبش باشم. حالا که زیر دندانش مزه کرده، دلش می‌خواهد همه‌شان را بگیرد. اولدوز، تودل، به نادانی زن باباش خندید. برای این که کلاغ‌ها دندان ندارند.»

بهرنگی، از زبان ننه کلاغ که: «مثل زن بابای اولدوز نبود و خیلی چیزها می‌دانست»، خیلی چیزها به بچه‌ها یاد داده است.

مهم‌تر از هر چیز، او در سراسر کتاب، خرافات و عقاید خرافی را زیر سؤال برده است و بچه‌های آرمانی او - اولدوز و یاشار - به شدت از خرافات بیزارند و برای رسیدن به مقصودشان، از این راه، سر آدم‌های نالان را شیر می‌مانند: از ما بهتران به خانه اولدوز هجوم نیاورده، بلکه بچه‌ها هستند که با استفاده از آموزش مدرسه، کلاه سر پدر و نامادری می‌گذارند و قصه را پیش می‌برند.

میل به تعالی

شاید صمد بهرنگی نیز تحمل زندگی کردن در این دنیای پرستم و ظلم را نداشته که بچه‌ها را به گریختن فرامی‌خواند. آن‌ها با توری که دست‌یافت آنان است، درواقع تنبلی را شکست داده‌اند و نادانی را نیز و به خوبی از فکر و اندیشه خود مدد جست‌هاند تا به تعالی برسند. معنای فارسی اولدوز، ستاره است و ستاره هم‌چنان میل به آسمان دارد و ما هرگز بر زمین ستاره‌ای نمی‌بینیم. ستاره پرواز می‌کند و به اوج می‌رسد و او همان اولدوز است. شاید انتخاب این نام برای شخصیت اصلی داستان، از پیش

همه مهم‌تر، یاد بگیرد حیوانی را نکشد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز یادآور شدم، صمد بهرنگی، تحت تأثیر احساساتش که طبعاً احساساتی پاک و لطیف بوده، لبریز از تنفر مردان و زنانی شده که با فرزندان ناتنی خود بدرفتاری می‌کنند. خوب بدیهی است که آزار و اذیت فرزندان از سوی نامادری و بعضاً ناپدیری، مشکلی است که حتی در جامعه امروز ایران، بسیار شایع و فراگیر است؛ همچنین آزار و اذیت حیوانات: اما بچه‌ها به جای یک کلاغ، یک سگ را می‌کشند. در این مورد قضاوت نهایی با خوانندگان است.

این موضوع، مثل موضوع کتاب‌هایی چون کوراوغلو و کچل حمزه، کچل کفترباز و... از قصه‌های عامیانه برداشت شده و صمدبهرنگی، البته در این کار، تخیل خود را نیز دخالت داده و داستانی جذاب خلق کرده است. او از پس پدید آوردن نقاط تعلیقی که پیش‌برنده داستان و ایجادکننده کشش و جذابیت هستند نیز به خوبی برآمده است.

آموزش و پرورش

اگر از بعضی خطاهای سهوی نویسنده در این داستان درگذریم، پشت پرده شفاف داستان، آموزگاری را می‌بینیم که دلسوزانه، نکته به نکته و مو به مو اخلاق و آداب زندگی را به دانش‌آموزان می‌آموزد.

آموزگاری که واقفاً چشم‌داشتی از آموزندگان ندارد: - یاشار - می‌گفت: می‌خواهم بروم آسمان، چند تا از آن ستاره‌های ریز را بگیرم و بیارم دگمه کتم بکنم. دیگر نمی‌دانست که هر یک از آن «ستاره‌های ریز» صدها و میلیون‌ها میلیون و باز هم بیشتر، بزرگ‌تر از خود اوست و بعضی‌شان هم هزار مرتبه گرم‌تر از آتش زیر کرسی‌شان است.»

هرچند در جامعه‌ای کوچک ممکن است اتفاق بیفتد، نظر او بزرگ جلوه کرده، طوری که احساسات او را به نوشتن چنین داستانی برانگیخته است. اما این احساسات، گاهی دچار اغراق شده است؛ چرا که راه‌حل‌ها و پیشنهادهای صمد که از سوی قهرمانان داستان به آن‌ها عمل شده، راه‌حلی ابتدایی و نسنجیده به نظر می‌آید. معمولاً در این راه، کودکان را به صبر و پایداری در برابر مشکلات تشویق می‌کنیم، اما درمضمون به کار رفته در اولدوز و کلاغ‌ها، شخصیت‌ها سرانجام، به دنیایی پا می‌نهند که

بیشتر آگاهی و خبری از آن نداشته‌اند؛ دنیایی که با توجه به توصیفات صمدبهرنگی، اسرارآمیز و لبریز از پرسش و ابهام و شاید شهر کنایی اسباب‌بازی است. کسی نمی‌داند که آیا اولدوز و یاشار، در سرزمینی که کلاغ‌ها برای‌شان به ارمغان آورده‌اند، خوشبخت خواهند شد یا نه؟ از این بابت، جای تحسین و تشویق است؛ چرا که باقی ماجرا را خود بچه‌ها آن‌طور که می‌خواهند می‌سازند. به یاد می‌آورم که بعد از هر بار خواندن شازده کوجولو، شب‌ها که به آسمان نگاه می‌کنم و ستاره‌ها را می‌بینم، در حالی که دنبال ستاره شازده کوجولو می‌گردم، همه‌اش از خودم می‌پرسم:

«آیا گوسفند، گل شازده کوجولو را خورده یا نه؟»
و همیشه هم این پاسخ را برای خودم دارم که: حتماً نه. چون...

در اولدوز و کلاغ‌ها، سؤالی که مطرح است، این که آیا یاشار و اولدوز، به سعادت و محبت و... می‌رسند؟ کی برمی‌گردند پیش پدر و مادرشان؟ شاید زن بابا تا آن وقت بچه‌دار بشود و اولدوز هم دیگر به آمدن بچه به خانواده‌اش حسودی نکند و آن قدر مهربانی کلاغ‌ها زیاد بوده باشد که هیچ‌وقت دیگر آرزو نکند بچه زن بابا بمیرد. یاشار هم تحت تأثیر آموزش‌های مثبت کلاغ‌ها، بیاید به درس و مشق خودش برسد و مثل قبل، مادرش را اذیت نکند و از



هری پاتر میهمان تخیل بچه‌ها

○ لیلا نصیری‌ها



- عنوان کتاب: هری پاتر و جام آتش
- نویسنده: جی. کی. رولینگ
- مترجم: طوبی یکتایی
- شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۸۳۰ نسخه
- ناشر: ثالث، کتابهای سارا
- بها: ۴۰۰۰ تومان
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹

ساعت پرشده است.

اما واقعا چه عواملی باعث شده که ماجراهای هری پاتر تا این حد با اقبال عمومی مواجه شود؟ شیوه قصه نویسی جی. کی. رولینگ برستی استوار است که او را به سنت قصه نویسی برادران گریم نزدیک می‌کند. رولینگ کتاب کودکانه نمی‌نویسد، او داستان کودکانه می‌نویسد: تخیل خوانندگان را با کمک خلق شخصیت‌های زنده و پویا به کار می‌گیرد؛ نه این که فقط توجه آنها را به تصاویر و جلوه‌های رنگارنگ کتاب معطوف کند. مهارت، تخیل، خلاقیت و جذابیت هر سه جلد همان‌هاست که در جلد اول بوده. رولینگ در قصه‌های خود با مهارت، سرنخ‌هایی را به دست می‌دهد که نوید ماجراهای بی‌شمار آینده را می‌دهند.

نبوغ رولینگ در خلق یک دنیای ملموس، از حس و حال‌های دوران نوجوانی است. او با عناصر وسوسه انگیزی، خوانندگان خود را به خواندن چندین باره این ماجراهای ترغیب می‌کند: قهرمانان پر دل و جرئت و کم سن و سال و در عین حال ناکامل، جزئیات خیال گونه و جادویی که حسرت انجامش را برای هر خواننده‌ای می‌گذارد، پیرنگ‌های پیچ در پیچ و جذاب، نزاع میان خیر و شر و بیش از همه اینها طنز. بسیاری از کتاب‌های کودکان یک یا دو عنصر از این عناصر را درآهسته‌آهسته ولی این کتاب، معجونی از تمام این عناصر است که مقاومت در برابر خواندن دوباره این ماجراها را در آدم سست می‌کند. کتاب پراست از نوعی طنز شیطنت‌آمیز و

شمارش معکوس برای جلد پنجم هری پاتر (زمانی کمتر از ۱۰۰ روز) و ساخت فیلمی از روی ماجراهای این شخصیت از زمانی کمتر از ۳۰۰ روز، توسط کارگردانی معروف (کریس کلمبوس) شروع شده است. ماجراهای هری پاتر، چاپ ویژه بزرگسالان نیز دارد؛ یعنی ماجراهای این شخصیت محبوب کودکان، در قطع دیگری و با طرح روی جلد بزرگسالانه، برای مطالعه این گروه سنی نیز چاپ شده است.

هری پاتر، خوانندگان نابینای خود را هم فراموش نکرده است. ماجراهای این شخصیت به زبان بریل نیز چاپ شده است. علاوه بر چاپ این کتاب‌ها در تیراژ نجومی (۸۰۰ هزار جلد فقط برای چاپ اول و سفارش ۵۰ هزار نسخه چاپ مجدد، آن هم فقط در یک روز)، نوار شنیداری ماجراهای هری پاتر، آن هم به صورت کامل و خلاصه نشده، در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد، تکثیر این نوارها که یکی از بازیگران معروف برادوی، اجرای آن را برعهده دارد به صورت خلاصه نشده به این دلیل است که خوانندگان، ماجراهای مربوط به هیچ یک از شخصیت‌های مورد علاقه خود را از دست ندهند. جیم دیل معروف، نقش ۱۲۵ شخصیت HP4 (هری پاتر و جام آتش، جلد چهارم) را بازی می‌کند و چنان ماهرانه وردهای جادویی را به زبان می‌آورد که شما در بالفطره بودن جادوگری او تردید نمی‌کنید.

ماجراهای HP4، روی ۱۷ کاست (CD۱۷) و در ۲۰

اندیشیده شده باشد. در مقابل، بزرگ‌ترها نامی ندارند و فقط نسبت‌شان با شخصیت‌ها بیان می‌شود: بابا، زن بابا، عمو، ننه یاشار، دده یاشار، آجان و... یاشار نیز نامی ترکی است، به معنای جاوید و ماندنی. شاید پیوند این دو شخصیت در اوج، بیان‌گر تعالی جاویدی باشد که در انتظار هر انسان است.

○○○

اولدوز و کلاغ‌ها، از لحاظ جاذبه دراماتیک، داستانی پویا به شمار می‌آید؛ چرا که پهرنگی، با استفاده از شگردهای ویژه که گاه تعدد حوادث است و گاه عنوان جذاب و گاه تعلیق، توانسته داستانی خلق کند که هر لحظه خواننده از خود بپرسد که بعد چه می‌شود؟

از طرفی به مسئله جاندارپنداری و سخن‌گوینداری اشیا و حیوانات نیز توجه ویژه داشته است و این رویکرد، به او در بیان تجربه‌های آموزشی کمک کرده است. اولدوز و کلاغ‌ها در واقع، دنباله داستان اولدوز و عروسک سخن‌گوست. در این داستان، جاندارپنداری عروسک، پرواز تخیل را سبب شده است و اولدوز و کلاغ‌ها، حرف زدن با حیوانات.

به هر ترتیب، نثر روان و شیوایی که البته در موارد نادر، دچار سکنه‌های جزئی می‌شود، از دیگر ویژگی‌های این داستان به‌شمار می‌آید. خواندن داستان‌های صمد، دنیایی زیبا را به ما معرفی می‌کند که لبریز از صفا و صداقت کودکان است. با او راه می‌افتیم و زیادی هم فکر نمی‌کنیم؛ چرا که اگر راه بیفتیم، ترس مان به کلی می‌ریزد.

پانویست‌ها:

- ۱- از ماهی سیاه کوچولو.
- ۲- زندگی و مرگ صمدپهرنگی، اسماعیل جمشیدی، ناصر خسرو، ۱۳۵۷، صص ۶۲ و ۶۳.
- ۳- همان‌جا و از زبان اسد پهرنگی (برادر صمد).
- ۴- اولدوز و کلاغ‌ها را صمد در پاییز ۱۳۴۴ نوشته است.
- ۵- اولدوز و کلاغ‌ها، نشر ماهریز، صص ۷۲.
- ۶- همان، صص ۲۵.
- ۷- همان، صص ۲۴.